

نویسنده: ماوادا اسکندر «Mawada Iskander».

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-12—19».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

آیا اختلاف عربستان و امارات، اتحادها یا ایتلافها را در خلیج فارس از نو ترسیم خواهد کرد

Will the Saudi–Emirati rift redraw alliances in the Persian Gulf?

در زیر ظاهر اتحاد، خاندان‌های سلطنتی خلیج فارس درگیر رقابتی
خاموش برای تسلط هستند - آزمایش محدودیت‌های نظارت ایالات
متحده و تغییر شکل اتحادها به شیوه خودشان.

*Beneath the surface of unity, Gulf royals are locked in a
quiet contest for dominance – testing the limits of US
oversight and reshaping alliances on their own terms.*



Photo Credit: The Cradle

در بجنوبه افزایش اختلافات بین عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر سر توازن قدرت در جنوب یمن، امیر قطر، تمیم بن حمد آل ثانی، هفته گذشته برای ریاست مشترک هشتمین شورای هماهنگی قطر و عربستان سعودی وارد ریاض شد. در حالی که این سفر رسماً با هدف تعمیق روابط با عربستان سعودی انجام شد، اما در پس زمینه ای از مانورهای منطقه‌ای که ممکن است بی‌سروصدا اتحادهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را از نو شکل دهد، آشکار شد.

جنگ خاموش بین متحدان

در پس دست دادن‌ها و عکس گرفتن‌ها، یک جنگ سرد بین ریاض و ابوظبی در حال جوشیدن است. آنچه که به عنوان یک اتحاد استراتژیک آغاز شد و ریشه در رفاقت شخصی بین محمد بن سلمان (MbS) و محمد بن زاید (MbZ) داشت، در خلأ ناشی از نفوذ رو به کاهش و اشنگتن، به رقابتی شدید برای تسلط منطقه‌ای تبدیل شده است.

نشست عربستان سعودی و قطر در ۸ دسامبر در زمانی استثنایی و حساس برگزار شد، همزمان با تحولات یمن، جایی که جناح‌های تحت حمایت امارات نفوذ عربستان سعودی را به چالش کشیده و کنترل خود را در جنوب گسترش داده‌اند. اگرچه این اجلاس رسماً به عنوان یک جلسه هماهنگی معمول تنظیم شده بود، اما بیشتر نشان دهنده بازنگری ریاض در استراتژی خلیج فارس بود. نتیجه برجسته این نشست، توافق دفاعی متقابل بین دو کشور بود - که از زمان بحران خلیج فارس در سال ۲۰۱۷ «بی‌سابقه» توصیف شد.

سر و صدای پیرامون پروژه راه‌آهن پرسرعت ریاض-دوحه، این همسویی جدید را برجسته کرد. این خط آهن که ۷۸۵ کیلومتر طول دارد، از ریاض حرکت می‌کند و با عبور از هفوف و دمام به دوحه می‌رسد و فرودگاه بین‌المللی ملک سلمان و فرودگاه بین‌المللی حمد را به هم متصل می‌کند و با سرعتی بیش از ۳۰۰ کیلومتر در ساعت و زمان سفری کمتر از دو ساعت، به مقصد می‌رسد.

رسانه‌های سعودی این پروژه را به عنوان نشانه‌ای از بلوغ روابط و ورود آن به یک مرحله استراتژیک جدید توصیف کردند که «عربستان سعودی و قطر را در مرکز معادله جدیدی از وابستگی متقابل، نه حسن نیت دیپلماتیک، قرار می‌دهد.»

ناظران این اجلاس را «اعلانی آرام از مرحله جدیدی از مهندسی مجدد خلیج فارس» و نشانه‌ای آشکار از این می‌دانند که پادشاهی عربستان سعودی به دنبال منزوی کردن ابوظبی از خلیج فارس با ایجاد اتحادهای جدید و خنثی کردن هرگونه نفوذ امارات در منطقه است.

فؤاد ابراهیم، محقق سعودی، در گفتگو با روزنامه «کریدل» معتقد است که صحبت از نزدیکی عربستان و قطر که برای مقابله با نفوذ امارات طراحی شده است، هنوز زود

است، به ویژه با توجه به تضادهای بین این کشورها که هرگونه صحبتی در مورد ثبات در روابط خلیج فارس را خطرناک می‌کند. ابراهیم خاطر نشان می‌کند که خلیج فارس به آنچه او «بازای صندلی‌ها» در سیاست منطقه‌ای می‌نامد، عادت کرده است، جایی که اتحادها به سرعت بر اساس منافع تغییر می‌کنند.

او همچنین به یک نکته طعنه‌آمیز اشاره می‌کند: نزدیکی مجدد عربستان و قطر ممکن است به نفع جارد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و مشاور ارشد سابق، باشد که نقش کلیدی در محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ پس از امتناع دوحه از حمایت مالی از امپراتوری املاک کوشنر ایفا کرد.

نبردهای نیابتی و تغییر جبهه‌ها

رقابت از بی‌اعتنایی‌های دیپلماتیک فراتر رفته و به مانورهای میدانی کشیده شده است. در سودان، امارات متحده عربی از نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) برای تأمین امنیت کریدورهای دریایی و ثروت‌های معدنی حمایت کرده و جاه‌طلبی‌های عربستان در دریای سرخ را به خطر انداخته است. ریاض که به دنبال معکوس کردن این دستاوردها بود، به واشنگتن روی آورد و این امر باعث درخواست مستقیم محمد بن سلمان از ترامپ برای کمک به پایان دادن به درگیری شد.

ابوظبی در تلافی، کارزار خود در یمن را تشدید کرد و شورای انتقالی جنوب (STC) سرزمین‌هایی مانند حضرموت را که به طور سنتی در حوزه نفوذ عربستان سعودی بود، تصرف کرد. در حالی که ریاض با احتیاط واکنش نشان داد - با اعزام فرستاده و تقویت پست‌های نظامی - امارات متحده عربی عمیق‌تر عمل کرد و تسلط خود را بر المهره، عدن، شبوه و سایر استان‌های جنوبی گسترش داد.

برای مقابله با این تجاوز، عربستان سعودی از عبدالفتاح البرهان، فرمانده ارتش سودان، استقبال کرد و از واشنگتن حمایت دریافت کرد. مارکو روبيو، وزیر امور خارجه آمریکا، با عبدالله بن زاید، وزیر امور خارجه امارات، تماس گرفت تا حمایت خود را از ریاض تأیید کند و اقدامات یکجانبه امارات در یمن را منصرف کند، در حالی که در مورد سازوکارهای پیشبرد آتش‌بس در سودان بحث می‌کرد.

زخم‌های قدیمی، جبهه‌های نبرد جدید

حسن علیان، محقق سیاسی، برای روزنامه «کریدل» توضیح می‌دهد که رقابت عربستان و امارات ریشه‌های تاریخی دارد که به سال ۱۹۲۳ برمی‌گردد و اختلافات مداوم بر سر قلمرو و مرزهای دریایی وجود دارد. برجسته‌ترین نقطه عطف در این درگیری، توافق جدی در سال ۱۹۷۴ بود که برخی از حقوق امارات را به رسمیت شناخت اما از اعطای هیچ سهمی از میدان نفتی شیخ خودداری کرد.

وقتی ابوظبی در سال ۲۰۰۴ درخواست بررسی نقشه‌ها را کرد، ریاض امتناع ورزید و این امر به ممنوعیت ورود اماراتی‌ها به پادشاهی در سال ۲۰۰۹ در اعتراض به درخواست تغییر نقشه منجر شد. او می‌افزاید که این رقابت بعداً به نفوذ منطقه‌ای گسترش یافت و از اتحاد خود با اسرائیل و ایالات متحده برای تقویت حضور اقتصادی و نظامی خود بهره برد.

وقتی جنگ در سال ۲۰۱۱ در سوریه آغاز شد، عربستان سعودی و امارات متحده عربی حمایت از گروه‌های مسلح را آغاز کردند، اما با پیشرفت درگیری، اولویت‌های آنها متفاوت شده است.

امارات متحده عربی ترجیح داد ثبات دولت وقت بشار اسد را حفظ کند و از ظهور گروه‌های رادیکال اسلامی جلوگیری کند. در همین حال، عربستان سعودی تا سال ۲۰۲۳ موضعی مردد اتخاذ کرد، زیرا پس از تنش زدایی عربستان و ایران با میانجیگری چین، تحت تأثیر استراتژی امارات متحده عربی و ادغام مجدد سوریه در اتحادیه عرب، به تدریج روابط خود را با دمشق عادی کرد.

در یمن، این اتحاد کاملاً از هم پاشید. ریاض از دولت مستقر در عدن برای محافظت از مرز و عمق استراتژیک خود حمایت می‌کند. در مقابل، امارات متحده عربی از جدایی‌طلبان شورای انتقالی جنوب برای تأمین امنیت بنادر و مهار نفوذ حزب اصلاح که آن را نماینده اخوان المسلمین می‌داند، حمایت می‌کند.

در سودان، این شکاف به همان اندازه آشکار است: ابوظبی از نیروهای پشتیبانی سریع برای تثبیت نفوذ خود در دریای سرخ حمایت می‌کند، در حالی که ریاض برای حفظ اهداف ژئوپلیتیکی خود با دولت مرکزی همسو می‌شود.

در اصل، امارات متحده عربی به نیروهای مسلح نیابتی و کنترل بنا در تکیه می‌کند. عربستان سعودی دولت‌های انعطاف‌پذیر و دیپلماسی را ترجیح می‌دهد که هدفشان مدیریت بحران‌ها بدون درگیری مستقیم است.

همانطور که علایان اشاره می‌کند، هرگونه آشتی موقت و محدود به مسائل خاص خواهد بود. اختلافات ساختاری بزرگی همچنان پابرجاست که ناشی از دیدگاه‌های منطقه‌ای متفاوت و وابستگی به واشنگتن است که هنوز بر پویایی داخلی شورای همکاری خلیج فارس تسلط دارد.

جبهه اقتصادی: نفت و جاه‌طلبی

رقابت اکنون به بخش‌های استراتژیک گسترش یافته است. در سال ۲۰۰۹، امارات متحده عربی پس از انتخاب ریاض به عنوان مقر بانک مرکزی خلیج فارس، از پروژه

این بانک خارج شد و ابتکار عمل واحد پول مشترک را از مسیر خود خارج کرد و نگرانی فزاینده اماراتی‌ها از رهبری عربستان سعودی را آشکار ساخت.

تنش‌ها در سال ۲۰۲۱ در جریان بن بست اوپک پلاس دوباره شعله ور شد. امارات متحده عربی کاهش تولید به رهبری عربستان سعودی را نا عادلانه دانست و تنها پس از کسب سهمیه تولید بیشتر، عقب نشینی کرد. اخیراً، ریاض کمپنی را برای جذب شرکت‌های چندملیتی برای انتقال پایگاه‌های منطقه‌ای خود به پادشاهی آغاز کرده است، به ده‌ها شرکت بین‌المللی مجوز داده و خود را به عنوان یک مرکز لجستیک نوظهور رقیب دبی معرفی کرده است.

بخش هوانوردی نیز به عرصه جدیدی از رقابت تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۳، عربستان سعودی دومین شرکت هواپیمایی ملی خود، ریاض ایر، را با هدف رقابت مستقیم با هواپیمایی امارات راه‌اندازی کرد که نشان‌دهنده جاه طلبی گسترده‌تر این کشور برای کنار زدن امارات متحده عربی به عنوان مرکز ثقل اقتصادی خلیج فارس است.

رقابت مردان

در قلب خود، این مبارزه همچنین شخصی است. در سال ۲۰۱۵، محمد بن زاید، محمد بن سلمان ۲۹ ساله را شریکی جاه طلب برای تغییر ساختارهای قدرت خلیج فارس می‌دید. او از رسیدن او به مقام ولیعهدی حمایت کرد و روابط خود را با واشنگتن تقویت کرد. اما این پویایی مربی-شاگرد با ادعای رهبری مستقل محمد بن سلمان و تلاش برای تحت الشعاع قرار دادن حامی سابقش، به تیرگی گرایید.

مکاتب دیپلماتیک فاش شده ایالات متحده، سوءظن دیرینه اماراتی‌ها به نیت سعودی را آشکار کرد. در سال ۲۰۰۹، در یکی از مکاتبات، مقامات اماراتی ریاض را تهدیدی بزرگتر از ایران توصیف می‌کردند. تا سال ۲۰۱۹، یادداشت‌های داخلی امارات، محمد بن زاید را به عنوان فردی عجول و بی‌کفایت، به ویژه در استراتژی یمن، معرفی می‌کردند. اسناد همچنین نگرانی‌های محمد بن زاید را در مورد تأثیر سیاست‌های عربستان بر ثبات منطقه‌ای نشان می‌داد و ترس او از وهابیت و تأثیرات احتمالی داخلی و خارجی آن را آشکار می‌کرد.

در سال ۲۰۲۲، گزارش‌هایی مبنی بر تهدید ولیعهد عربستان به محاصره امارات منتشر شد - که منعکس کننده محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ بود. دو محور، یک خلیج فارس امروزه، دو بلوک رقیب در حال شکل‌گیری هستند. امارات متحده عربی، در هماهنگی نزدیک با تل‌آویو، در حال تغییر شکل پویایی تجارت و امنیت دریای سرخ و شاخ آفریقا است. ابوظبی با حمایت اسرائیل، در حال ساخت بنادر و مسیرهای تجاری است که برای دور زدن گلوگاه‌های سنتی طراحی شده‌اند و از نفوذ منطقه‌ای خود به عنوان اهرم استفاده می‌کند.

در پاسخ، یک محور آزمایشی ریاض- دوحه در حال ظهور است - که ناشی از نگرانی مشترک در مورد گسترش بی‌مه‌ار امارات - اسرائیل است. این محور با گسترش روابط عربستان سعودی تقویت می‌شود: تنش زدایی با ایران، گفتگو با سوریه و ترکیه و پیشنهاد های استراتژیک به پاکستان. اگرچه هنوز سیال است، اما این نشان‌دهنده تمایل ریاض برای تنوع بخشیدن به اتحادها و کاهش وابستگی به مشارکت امارات است.

آلایان خاطر نشان می‌کند که در حالی که روابط عربستان و قطر به ویژه از زمان اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در منامه به طور قابل توجهی بهبود یافته است، روابط با امارات همچنان پرتنش است. او استدلال می‌کند که اگرچه ریاض و دوحه ممکن است همکاری را تعمیق بخشند، اما هرگونه اتحاد تمام عیار با محدودیت‌های اعمال شده توسط ترجیحات واشنگتن و محوریت آن در امنیت خلیج فارس شکل خواهد گرفت. مدیریت گسستگی علیرغم اختلافات شدید، گسست کامل عربستان و امارات فعلاً بعید به نظر می‌رسد. خلیج فارس شاهد یک رقابت مدیریت شده است: امارات متحده عربی به جلو حرکت می‌کند و حقایق را به میدان تحمیل می‌کند؛ عربستان سعودی، با حمایت قطر، اتحاد های متقابل بی‌سروصدا ایجاد می‌کند.

همه اینها زیر چتر ایالات متحده رخ می‌دهد، که همچنان از رقابت‌های درون خلیج فارس برای حفظ نفوذ در منطقه سوءاستفاده می‌کند.

نظم خلیج فارس دیگر آن چیزی نیست که بود، و ریاض دیگر حاضر نیست نقش شریک کوچک را برای جاه‌طلبی‌های ابوظبی بازی کند. با فروپاشی فرضیات قدیمی، صف‌بندی‌های جدیدی با نیت آگاهانه در حال ظهور هستند - کم‌سروصداتر از قبل، اما به همان اندازه کم‌اهمیت‌تر.

----- **با تقدیم احترامات «2025-12-20»**

.....